

مقایسه سیاست‌های هسته‌ای ایران در دوران اصلاحات و اصول‌گرایی

سیدمحمد طباطبائی* - میلاد توپچی**

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۱/۲۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۳/۱۸)

چکیده

میانی فکری و اصول جناحی در روند سیاست‌گذاری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به طوری که می‌توان تأثیر این میانی را در سیاست‌های اجرایی و در صحنه عمل مشاهده کرد. هر یک از دو جناح اصلاح‌طلب و اصول‌گرا اصول عقیدتی و فکری خود را به عنوان نهاده وارد سیستم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران کردند و پس از تجزیه و تحلیل در این سیستم که دارای یکسری اصول و قواعد خاص خود است، در قبال برنامه هسته‌ای سیاست‌هایی را به اجرا گذاشتند. با مقایسه نهاده‌هایی که این دو جناح سیاسی وارد سیستم کرده‌اند و همچنین داده‌هایی که به صورت سیاست اجرایی از سیستم خارج شده است، می‌توان دریافت که روش هر یک از این دو جناح در قبال برنامه هسته‌ای متفاوت بوده است؛ اما با توجه به ماهیت و اصول کلی سیستم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، هدف اصلاح‌طلبان و اصول‌گرایان در دستیابی به فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای مشترک بوده است؛ بنابراین در این مقاله هدف، بررسی و واکاوی روش‌های متفاوت دو جناح سیاسی حاکم در اجرای سیاست واحد دستیابی به انرژی هسته‌ای بر اساس نظریه سیستم‌ها است.

واژگان کلیدی: اصلاح‌طلبان، اصول‌گرایان، سیاست هسته‌ای ایران، نظریه سیستم‌ها.

tabasm234@yahoo.fr

* دانشیار روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی

** کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)

miladtopchi@yahoo.com

مقدمه

همان‌گونه که در دولت‌های پیشرفته صنعتی و در حال توسعه، انرژی نقش سکوی پرتاب را ایفا می‌کند، ایران نیز همانند قدرت‌های بزرگ دنیا چشم‌اندازهای پیشرفت و توسعه پایدار خود را بدون انرژی هسته‌ای نمی‌بیند. در خصوص سیاست هسته‌ای، جمهوری اسلامی ایران از همان آغاز قاطعانه، تنها بر روی رویکرد دیپلماتیک تکیه کرده و هیچ گزینه استراتژیکی را در نظر نگرفته است. به منظور احقاق حقوق قانونی خود در این زمینه، ایران راه گفتگو و مذاکره را پیش گرفته و از دیپلماسی فعالی در این زمینه برخوردار بوده است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۰). در دوران ریاست جمهوری سیدمحمد خاتمی^۱ که به دوران اصلاحات معروف است، سیاست هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران بر مبنای اصول گفتگو و تعامل و همکاری با نهادها و سازمان‌های بین‌المللی خصوصاً آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، قرار داشت. در این دوران سعی می‌شد تا با اعتمادسازی و شفافیت، برنامه هسته‌ای ایران بتواند راه اصلی خود یعنی دستیابی به فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای را بدون تنش با دیگر کشورهای جهان طی کند. با ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد و فرارسیدن دوران موسوم به اصول‌گرایی، چرخشی محسوس در سیاست‌های اتخاذشده در زمینه برنامه هسته‌ای به وجود آمد. اصول‌گرایان با اشاره به کارشکنی‌های طرف‌های غربی در رابطه با برنامه هسته‌ای ایران، خواهان آن شدند که بتوانند هر چه سریع‌تر و بدون فشار کشورهای غربی، حق دستیابی به فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای را به دست آورند، اما نکته مهم و شایان توجه این است که هم در دوران اصلاحات و هم در دوران اصول‌گرایی، هدف هر دو جریان مشترک بود، یعنی دستیابی به انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای؛ اما در روش‌های دستیابی به این هدف مشترک، تفاوت‌هایی وجود داشت. این تفاوت‌ها ناشی از مبانی فکری و اصول رفتاری این دو طیف سیاسی است. هر کدام از این دو جریان با توجه به اصولی که در رفتار سیاسی خود به کار می‌برند از ابزارهای مناسب با آن اصول استفاده می‌کردند تا به هدف مشترکی که در زمینه برنامه هسته‌ای داشتند، دست پیدا کنند. سؤال مهمی که در ارتباط با این موضوع مطرح می‌شود این است که چه تفاوت‌هایی در روش‌ها و سیاست‌های اتخاذشده در راستای دستیابی به انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای، بین اصلاح‌طلبان و اصول‌گرایان وجود داشت؟ در پاسخ می‌توان گفت که عمده تفاوت روشی میان دو جناح، مربوط به تفاوت گفتمان و همچنین تفاوت در مبانی فکری است. هر یک از آن‌ها سعی داشته تا اصول رفتاری خود را وارد سیستم سیاست خارجی جمهوری اسلامی نماید تا پس از پردازش و

۱. البته هیچ‌یک از دو شخصیت نام برده را نمی‌توان به طور مطلق مسئول و نماینده دو جریان سیاسی حاکم در جمهوری اسلامی ایران بدانیم، اما دستکم در دوران ریاست جمهوری خود، به نمایندگی از دو جریان مذکور عمل می‌کردند.

عبور از آن تبدیل به سیاست‌های مدنظر در رابطه با برنامه هسته‌ای شود. اصلاح‌طلبی به معنای توسعه جامعه مدنی داخلی و سازش با جامعه بین‌الملل در راستای برقراری رابطه و ایجاد صلح مثبت در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. شاخص‌های اصلاح‌طلبی را می‌توان در چارچوب «جامعه مدنی»، «عقلانیت ارتباطی»، «گفتگوهای سازنده و تعاملی»، «احترام متقابل با سایر دولت‌ها» عنوان کرد. اصول‌گرایی نیز به معنای تعهد به اصول و آرمان‌های انقلابی و اسلامی در عرصه داخلی و بین‌المللی است. شاخص‌های اصول‌گرایی را می‌توان در چارچوب اصول بنیادین «عزت، حکمت و مصلحت»، «خردگرایی و حکمت در تصمیم‌گیری و عمل»، «اعتزاز به اسلام» و «عدالت‌خواهی و عدالت‌گستری» ذکر کرد. با توجه به مفاهیم و شاخصه‌ها و همچنین مبنای فکری هر یک از دو جناح می‌توان تفاوت روشی در دستیابی به انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای را بررسی کرد.

با در نظر گرفتن دستگاه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک سیستم، شاخص‌ها و اصول ذکر شده اصلاح‌طلبان و اصول‌گرایان طبق نظریه سیستمی، به صورت نهاد وارد این سیستم می‌شوند. آنگاه پس از پردازش و تصمیم‌گیری بر روی این نهاده‌ها، به صورت سیاست‌های اجرایی درمی‌آیند. عوامل تأثیرگذار در فرایند پردازش و تصمیم‌گیری سیستم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به سه دسته تقسیم می‌شود: الف- عوامل فردی: شامل افراد و ویژگی‌های شخصی و محیط ادراکی آن‌ها؛ ب- عوامل نهادی: شامل نهاد رهبری، قوه مجریه، مجلس شورای اسلامی، مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای عالی امنیت ملی؛ ج- عوامل بین‌المللی: شامل ساختار مادی نظام بین‌الملل، ساختار غیرمادی نظام بین‌الملل و ساختار نهادی نظام بین‌الملل. هر یک از این عوامل نهاده‌هایی که وارد سیستم سیاست خارجی شده‌اند را پردازش می‌کند تا این درون‌داده‌ها بر طبق اصول و موازین نظام جمهوری اسلامی ایران تبدیل به تصمیمات اجرایی در عرصه سیاست خارجی شوند. پس از عبور از این مراحل است که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران شکل می‌گیرد و به صورت داده و سیاست‌های اجرایی از سیستم خارج می‌شود.

چارچوب نظری

به این ترتیب برای مقایسه سیاست‌های هسته‌ای دوران اصلاحات و اصول‌گرایی از نظریه سیستم‌ها استفاده شده است. نظریه سیستم‌ها (نظام‌ها) یا نظریه عمومی سیستم عبارت است از یک دسته احکام در مورد روابط میان متغیرهای مستقل و وابسته‌ای که تغییر در هر یک از آن‌ها ملازم

بر تغییر در سایر متغیرها یا ترکیبی از آنهاست. بنا بر تعریف سیستم عبارت است از مجموعه‌ای از عناصر در حال تعامل که کلیتی را تشکیل داده و نوعی سازمان را آشکار می‌سازند. در واقع، نظم یا سازمانی که محصول کنش‌های متقابل اعضای سیستم است، با یافتن شکل ساختاری، رفتار اجزای تشکیل‌دهنده سیستم را تعیین می‌کند. (Brailard, 1997: 75-76) بنا به تعریفی دیگر، کلیتی که به واسطه وابستگی متقابل اجزایش، به صورت یک کل عمل می‌کند یک سیستم خوانده می‌شود و روشی که هدفش کشف نحوه تحقق چنین حالتی در گوناگون‌ترین سیستم‌هاست، نظریه عمومی سیستم‌ها نام دارد (دوئرتی؛ فالتر گراف، ۱۳۷۲: ۲۲۴-۲۲۳).

برخی از مفاهیم و واژه‌های مهم برای تحلیل تئوری نظام‌ها عبارت‌اند از:

۱- ثبات و تعادل: هر چند این دو مفهوم، مترادف و به یک معنا نیستند اما در یک رابطه نزدیک و تنگاتنگ با یکدیگر قرار دارند. ثبات به معنای پایداری و استمرار روابط متغیرهای سیستم است که در مقابل آن، حالت بی‌تعادلی قرار دارد. یکی از ویژگی‌های سیستم، تلاش برای حفظ تعادل یا دستیابی به سطح تعادل نوین است.

۲- کنش متقابل: کنش و واکنش، همواره در میان عناصر سیستم جاری است. کارکرد هر سیستم به کنش متقابل اعضای آن بستگی دارد. به هر میزان کنش متقابل بیشتر شود، سیستم پیچیده‌تر می‌شود.

۳- همبستگی: میان عناصر هر نظام، وابستگی متقابل وجود دارد که نشان‌دهنده تأثیرپذیری آن‌ها از یکدیگر است. این ارتباط سازمان‌یافته و پیوسته موجب می‌شود که واحدهای سازنده نظام درجه‌ای از حساسیت و آسیب‌پذیری را در برابر یکدیگر داشته باشند.

۴- سازواری و انطباق: هر سیستمی دارای ظرفیت معینی است که قابلیت میزان پذیرش بار وارده به سیستم را نشان می‌دهد. بدین معنا که هر چه ظرفیت و قابلیت سیستم بیشتر باشد، می‌توان انطباق‌پذیری بیشتری را از آن انتظار داشت. برعکس، سیستم‌های دارای قابلیت و ظرفیت کم، با ورود بار اضافی نمی‌توانند خود را با شرایط جدید تطبیق دهند، در نتیجه تعادل خود را از دست می‌دهند.

۵- تحول و دگرگونی: از ویژگی‌های مهم جامعه انسانی و نظام بین‌المللی، دگرگونی‌هایی است که هر روز حادث می‌شود. از آنجا که سیستم، موجودی زنده و پویاست و قابلیت پذیرش دگرگونی و هضم آن‌ها را دارد؛ تا حدودی از استحاله و تغییر شکل نظام جلوگیری می‌شود، اما اگر میزان تحول بسیار زیاد و شدید باشد باعث فروپاشی سیستم می‌شود^۱ (فرانکل، ۱۳۷۲: ۶۶).

۱. هر سیستم یا نظام دارای چهار عنصر اساسی است که در تجزیه و تحلیل سیستماتیک اهمیت ویژه‌ای دارند. این عناصر عبارت‌اند از:

در اینجا سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک سیستم در نظر گرفته می‌شود که سیاست‌های دولت‌های مختلف و مبانی فکری جناح‌های سیاسی که در رقابت سیاسی از طریق انتخابات پیروز می‌شوند، به‌صورت نهاد وارد دستگاه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌شود. در سیستم سیاست خارجی جمهوری اسلامی این نهادها در جعبه تصمیم‌گیری^۱ پردازش می‌شود. این جعبه شامل عوامل فردی، نهادی و نظام بین‌المللی است. پس از پردازش در دستگاه تصمیم‌گیری، سیاست‌های اتخاذ شده برای اجرا به‌صورت برون‌داد ظاهر می‌شود. به دلیل ماهیت نظام جمهوری اسلامی ایران که مردم‌سالاری دینی است، سیستم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران باز است. بدین معنی که نهادها تغییر یافته‌اند، به‌صورت بازخورد دوباره به‌صورت نهاد وارد دستگاه سیاست خارجی می‌شود.

مبانی فکری اصلاح‌طلبان مانند توسعه سیاسی، اصلاح‌طلبی، تنش‌زدایی، گفتگوی تمدن‌ها و همچنین مبانی فکری اصول‌گرایان مانند انقلابی‌گری، مدیریت جهانی، نفی نظام سلطه (در رابطه با پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران) به‌صورت نهاد وارد سیستم سیاست خارجی جمهوری اسلامی می‌شود و پس از پردازش در آنجا، به‌صورت برون‌داد یا سیاست‌های اجرایی در صحنه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ظاهر می‌شود. برای نمونه، این سیاست‌ها در دوران اصلاح‌طلبان به‌صورت گفتگوهای سازنده با کشورهای اروپایی و تعامل حداکثری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ظاهر شد و در زمان اصول‌گرایان برون‌داد سیاست هسته‌ای به‌صورت گفتگوهای انتقادی، مقابله با تهدیدها و مقاومت در برابر فشارها شکل گرفت. یکی از دلایل تفاوت بین داده‌های اصلاح‌طلبان و اصول‌گرایان، بازخورد سیاست‌های اجرایی اصلاح‌طلبان در سیستم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بود. بدین معنا که سیاست‌های اتخاذ شده در زمان اصلاح‌طلبان در رابطه با برنامه هسته‌ای با یک نوع واکنشی از سوی مردم و دستگاه‌های تصمیم‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران روبرو شد که شکل‌گیری تقاضاها و نهادهای جدیدی را در رابطه با برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در پی داشت.

الف- نهاد (درون داد): عوامل و متغیرهایی که به سیستم وارد می‌شوند نهاد نام دارند. در یک نظام سیاسی، مجموعه‌ها (تقاضاها) و حمایت‌ها در این حوزه قرار می‌گیرند.

ب- داده (برون داد): به خروجی سیستم مربوط می‌شود. تصمیمات و خط‌مشی‌های یک نظام داخلی در قبال تقاضاها و حمایت‌ها، جزء داده‌ها محسوب می‌شود.

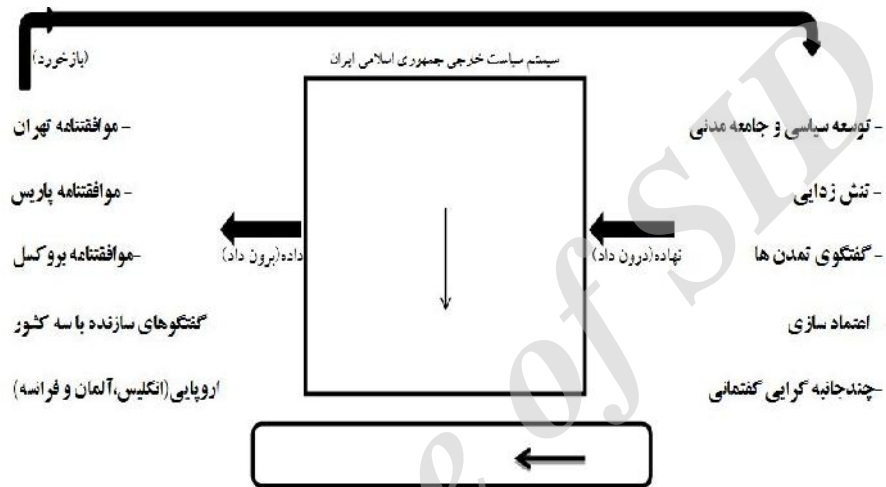
ج- بازخورد (بازخوران): ارزیابی هماهنگی یا ناهماهنگی بین نهادهای داده‌ها در فرایند بازخورد بررسی می‌شود.

د- محیط داخلی و خارجی: محیط به مقتضیات و شرایطی اطلاق می‌شود که سایر عناصر متشکله در آن عمل می‌کنند. به‌عنوان نمونه محیط ارزشی و فرهنگی که سیاستمداران در آن به تصمیم‌گیری می‌پردازند از این نمونه است (چیکوت، ۱۳۷۸: ۳۶).

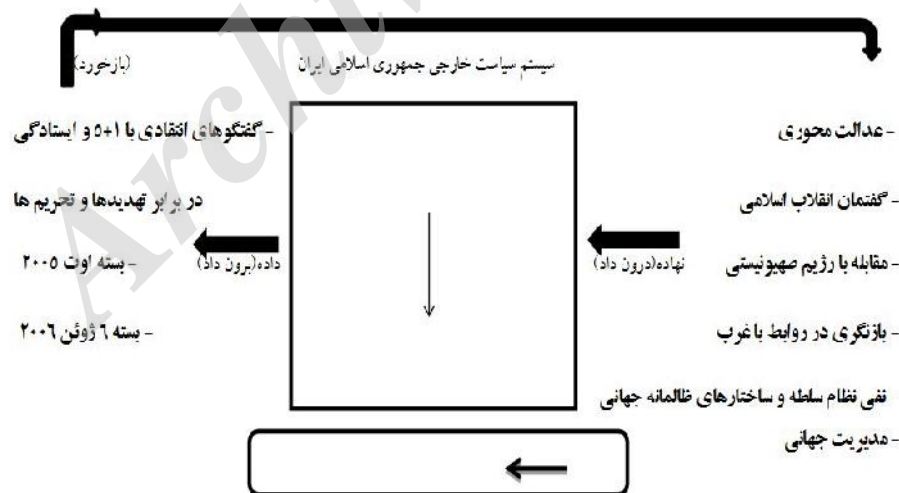
1. Black Box

برای نمونه می‌توان به تصمیمات و سیاست‌های اجرایی که در دولت اصلاح‌طلبان در خصوص برنامه هسته‌ای که به شکل توقف برنامه هسته‌ای و پذیرش قطعنامه‌های کشورهای غربی در آمد، اشاره کرد. برای دستیابی به مبانی فکری و اصول سیاسی و درون داده‌های اصلاح‌طلبان و اصول‌گرایان ابتدا سیاست خارجی هریک از این دو جناح به صورت جداگانه بررسی می‌شود. مدل سیاست‌های هسته‌ای اصلاح‌طلبان و اصول‌گرایان را می‌توان به صورت نمودارهای زیر

نشان داد:



نمودار الف- مدل سیاست‌های هسته‌ای اصلاح‌طلبان



نمودار ب- مدل سیاست‌های هسته‌ای اصول‌گرایان

درون داده‌های سیاست‌های هسته‌ای اصلاح‌طلبان

(۱) توسعه سیاسی و جامعه مدنی

جریان اصلاح‌طلبی می‌کوشید تا مفهوم توسعه سیاسی را که مبنایی غربی داشت و بیشتر مربوط به جهان مادیات می‌شد، به گونه‌ای تأویل کند تا بتوان آن را در جامعه اسلامی ایران پیاده کرد. بر همین اساس اصلاح‌طلبان کوشیدند تا از تمامی ظرفیت‌های موجود در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران استفاده نمایند تا توسعه سیاسی مدنظر خویش را در چارچوب قوانین اجرا نمایند. یکی از اهداف توسعه سیاسی مدنظر جریان اصلاحات، افزایش مشارکت سیاسی مردم بود. اصلاح‌طلبان کوشیدند تا با استفاده از آموزش سیاسی و بالا بردن فرهنگ سیاسی جامعه، مردم را بیش‌ازپیش به مشارکت در مسائل سیاسی ترغیب نمایند. هرچند در عمل با توجه به جایگاه مطلوب خود در دانشگاه‌ها، این دانشجویان بودند که از نظر اصلاح‌طلبان نمایندگی مردم را در مشارکت سیاسی بر عهده داشتند. از دیگر اهداف توسعه سیاسی دوران ریاست جمهوری سید محمد خاتمی، تحکیم دموکراسی شکل گرفته در انقلاب اسلامی بود. با افزایش مشارکت و افزایش اقتدار سیاسی، دموکراسی در جمهوری اسلامی ایران نهادینه می‌شد و سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با امور سیاسی به سمت تخصصی‌تر شدن و تمایز ساختاری حرکت می‌کردند. از دیگر جنبه‌های توسعه سیاسی اصلاح‌طلبان، مفهوم جامعه مدنی بود. جامعه مدنی مفهومی شکل گرفته در بستر تاریخی غرب است؛ اما اصلاح‌طلبان این مفهوم را مانند بسیاری از مفاهیم دیگر، با جامعه دینی ایران انطباق دادند. سیدمحمد خاتمی به‌عنوان رئیس‌جمهور ایران برای اولین بار از مدینه‌النبی سخن به میان آورد. اصلاح‌طلبان به‌منظور سازگار کردن دین با جامعه مدنی می‌کوشیدند تا ابتدا به ایدئولوژی زدایی از جامعه مدنی پردازند و هم‌ذات‌پنداری^۱ جامعه مدنی و فرهنگ غربی را نقد کنند و سپس به دفاع از ارزش‌های مدنی غربی پردازند و آن را از دستاوردهای بشری قلمداد کنند که می‌تواند در هر فرهنگی به کار بسته شوند. در مرحله بعدی نیز کوشش می‌شود تا مفهوم دین و دین‌داری را بازاندیشی کنند و تعریف تازه‌ای از آن به دست دهند. سپس با فرق‌گذاری میان دین‌داری‌های گوناگون به دفاع از قرائت خود می‌پردازند و بدین‌سان سازگاری دین را با جامعه مدنی ممکن می‌دانند. از مبانی جامعه مدنی، کثرت‌گرایی است که به معنای پذیرش تنوع در عرصه‌های مختلف جامعه است. این پلورالیسم را می‌توان در عرصه سیاست خارجی محمد خاتمی بیشتر از صحنه سیاست داخلی مشاهده کرد. در زمینه مسئله هسته‌ای مشاهده می‌کنیم که تساهل و مدارا و پذیرش عقاید گوناگون در نظام بین‌الملل و تعامل با دنیای متکثر غرب و همچنین نقش حمایتی

1. Identification

جامعه‌مدنی داخل کشور از برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای، نشان از بازتاب مبانی فکری جریان اصلاح‌طلب در رابطه با برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران داشت.

۲) تنش‌زدایی

با ریاست جمهوری سید محمد خاتمی، مفهوم تنش‌زدایی در سیاست خارجی ایران به قوت پیگیری شد. سیاست خارجی اصلاح‌طلبان از سال ۷۶ به بعد مبتنی بر تنش‌زدایی، اعتمادسازی و توسعه همه‌جانبه قرار گرفت (اسدی، ۱۳۷۹: ۱۰۰۷). خاتمی معتقد بود تنش‌زدایی نه تنها خواهان استقرار یک نظام مردم‌سالار در درون جامعه خود است، بلکه منادی دعوت جهان به صلح مبتنی بر عدالت، تساوی و حذف زور در روابط بین‌الملل نیز هست (ازغندی، ۱۳۷۸: ۶۹-۶۷). اعتمادسازی یکی از سیاست‌هایی بود که در چارچوب سیاست تنش‌زدایی پیگیری می‌شد. در رابطه با برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران نیز می‌توان این اعتمادسازی و تنش‌زدایی را به‌خوبی مشاهده کرد. ایران برای نشان دادن حسن نیت خود و همچنین رفع ابهامات و نگرانی‌های طرف غربی و در راستای سیاست اعتمادسازی به‌طور متناوب اجازه بازدید از سایت‌های هسته‌ای را به بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌داد. همکاری گسترده سازمان انرژی اتمی ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از طریق تبادل و ارسال اطلاعات گسترده و پذیرش بازرسی‌های سرزده و همه‌جانبه از تأسیسات کشور و حتی صدور مجوز بازرسی‌های سایت‌های نظامی توسط وزارت دفاع، همه حاکی از اراده دولت خاتمی در پیشبرد مؤثر حل‌وفصل پرونده هسته‌ای در قالب یک همکاری و تعامل سازنده است. این همکاری‌ها و تعاملات با هدف رفع سوء تفاهم‌ها و ایجاد اعتماد در طرف مقابل بود (بعیدی نژاد، ۱۳۸۴: ۲۰۶). هرچند که با توجه به خصومت ریشه‌ای استکبار جهانی با انقلاب اسلامی ایران هیچ‌گاه پاسخی مناسب به فرآیند تنش‌زدایی ایران داده نشد.

۳) گفتگوی تمدن‌ها

سید محمد خاتمی در حین سخنرانی در «پنج‌جاه و سومین نشست سالانه مجمع عمومی سازمان ملل» در سال ۲۰۰۱ پیشنهاد داد که سال مذکور به‌عنوان سال گفتگوی تمدن‌ها نام‌گذاری شود که با اتفاق آراء در مجمع عمومی تصویب شد. البته پیشنهاد گفتگوی تمدن‌ها از مدت‌ها پیش، از سوی ایشان در دیدار با مقامات دیگر کشورها و در «هشتمین نشست سران سازمان کنفرانس اسلامی» در تهران و همچنین «دوازدهمین نشست سران جنبش عدم تعهد» در دوران آفریقای جنوبی مطرح شده بود. این پیشنهاد یک امتیاز ویژه و منحصر به فرد برای جمهوری اسلامی ایران و همچنین اصلاح‌طلبان

به شمار می‌رفت؛ زیرا می‌توانست جمهوری اسلامی را در سطح جهان به‌عنوان یک کشور حامی صلح و اهل مدارا و تساهل با فرهنگ‌های گوناگون معرفی کند و تصویر شکل‌گرفته از جمهوری اسلامی ایران که در سال‌های پس از پیروزی انقلاب توسط رسانه‌های گروهی غربی و به‌ویژه آمریکا مخدوش نشان داده شده بود را اصلاح کند. می‌توان این نکته را هم مطرح کرد که گفتگوی تمدن‌ها بیانی تازه از آرمان صدور انقلاب بود. در این مفهوم نوین از صدور انقلاب، جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان نماینده تمدن اسلامی زمینه‌رشد و گسترش همکاری با دیگر کشورها را فراهم می‌آورد تا از این طریق بتواند دستاوردهای ارزشمندی را که در طول سالیان پس از انقلاب اسلامی به دست آورده است را به جهانیان معرفی کند و ایران را به‌عنوان یک الگو و نمونه‌ای کامل از یک حکومت اسلامی نشان دهد. گفتگوی تمدن‌ها، تنها گفتگوی رسمی بین مقامات سیاسی و رسمی کشورها را شامل نمی‌شود بلکه تمام اقشار و طبقات مختلف اجتماعی و غیررسمی را نیز در بر می‌گیرد. در گفتگوی تمدن‌ها کشورها برای حل اختلافات و مشکلات خود از موضعی برابر و به‌عنوان انسان‌های متمدن، گفتگو با یکدیگر را بر نزاع و خشونت رجحان می‌دهند. در زمینه برنامه هسته‌ای نیز، گفتگوی تمدن‌ها تأثیرگذار بود. تأکید بر گفتگو، پرهیز از تنش، گفتگو از موضع برابر، لزوم احترام به حق و حقوق ملت‌ها و ... از بازتاب‌های گفتگوی تمدن‌ها بر سیاست‌های اتخاذ شده دولت اصلاحات در زمینه برنامه هسته‌ای ایران بوده است. همچنین، گفتگوی تمدن‌ها نوعی سیاست اعتماد ساز بود که در عرصه سیاست خارجی و مسئله هسته‌ای به کار گرفته شد تا از نگرانی جهان نسبت به برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران بکاهد و آن را برنامه‌ای در جهت اهداف صلح‌آمیز معرفی نماید.

۴) اعتمادسازی

اعتمادسازی در روابط خارجی، فراتر از همزیستی و تنش‌زدایی قرار دارد. اعتمادسازی فرایندی با ماهیت نظامی و امنیتی است که برای افزایش و ارتقای ثبات در روابط نظامی و امنیتی دو یا چند کشور به کار می‌رود. این هدف از طریق شفافیت، تبادل ارتباطات و اطلاعات تأمین می‌شود. مفهوم اساسی در اعتمادسازی، شفافیت است و کلیه تعاریف نیز مبتنی بر آن است. شفافیت به‌منظور کاهش بی‌اعتمادی و نگرانی‌های دو طرف از وضعیت نظامی یکدیگر است که منجر به جلب اعتماد آن‌ها می‌شود. به سخن دیگر اعتمادسازی اقدامات و ترتیباتی است که رفتار نظامی کشورها را در منازعه تنظیم می‌کند و به کاهش بی‌اعتمادی در زمینه‌های تصاعد نظامی و بحران، حمله غافلگیرانه و خشونت‌های کم‌شدت و خفیف‌تر از جنگ می‌انجامد. (Holsti, 1987: 396) بی‌اعتمادی بسیاری از کشورها نسبت به جمهوری اسلامی ایران

به خاطر عدم درک متقابل ناشی از ناآگاهی از نیات ایران است. در دوره اصلاحات، کارگزاران سیاست خارجی سعی کردند بر پایه عقلانیت ارتباطی مبتنی بر گفتگو و مفاهمه بین‌الذهانی این سوءبرداشت‌ها و بدبینی‌ها را اصلاح و اعتماد دولت‌ها را جلب نمایند؛ اما در قبال انتظارات مشابه از جانب طرف مقابل، هیچ اقدام اعتمادسازی از سوی دشمنان ایران صورت نپذیرفت.

۵) چندجانبه‌گرایی گفتمانی

چندجانبه‌گرایی گفتمانی در سیاست خارجی نوعی رهیافت و ایستار است که پیش و بیش از آنکه در کنش‌ها و رفتارها تجلی یابد در ذهن و فکر نمود پیدا می‌کند. این رهیافت متضمن و مستلزم تکثرگرایی است که همزیستی و هم‌افزایی ملت‌ها، فرهنگ‌ها و تمدن‌ها را فراهم و ممکن می‌سازد؛ زیرا از این منظر، ملت‌ها موجودیت‌های فرهنگی هستند که ماهیت و هویت سرزمینی دارند ولی تمدن‌ها نظامی از مفاهیم و معانی بین‌الذهانی هستند که لزوماً دارای هویت جغرافیایی نیستند. چندجانبه‌گرایی گفتمانی مستلزم مشارکت فعال و فراگیر جمهوری اسلامی در سازمان‌ها، مجامع، نهادها، ترتیبات و رژیم‌های امنیتی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بین‌المللی بود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۴۷۷-۴۷۳).

درون‌داده‌های سیاست‌های هسته‌ای اصول‌گرایان

۱) عدالت محوری

در قالب گفتمان اصول‌گرایی و بر مبنای دال متعالی عدالت، کانون و مرکز ثقل سیاست خارجی دولت اصول‌گرا عدالت‌طلبی و دادگستری است. به‌طوری‌که اصول‌نظری و رفتار عملی سیاست خارجی جمهوری اسلامی در این دوره بر پایه این دال متعالی معنا می‌یابد. بر این اساس احمدی‌نژاد در مبارزات انتخاباتی نهمین دوره ریاست جمهوری در بهار ۱۳۸۴، شعار اصلی و محوری برنامه‌های خود را «عدالت محوری و عدالت‌گستری» هم در سیاست داخلی و هم در سیاست خارجی اعلام نمود. رئیس‌جمهور دولت‌های نهم و دهم همواره در سیاست خارجی خود بر منشور عدالت تأکید می‌کرد. در سخنرانی خود در سازمان ملل عدالت را به‌عنوان یک اصل بنیادین در روابط بین‌الملل مطرح می‌سازد. از نظر وی تحقق صلح و آرامش جهانی مستلزم بسط عدالت در جهان است. بر پایه تعریف اصول‌گرایان از عدالت، دستیابی به انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای حتی بر اساس «کنوانسیون NPT»^۱، حق تمام کشورها است و

۱. بر اساس ماده ۴ کنوانسیون NPT (معاهده منع تولید و تکثیر سلاح‌های هسته‌ای)، هیچ‌یک از مواد این پیمان به نحوی تفسیر نخواهد گردید که به حقوق غیرقابل انکار هریک از اعضای این پیمان به‌منظور توسعه تحقیقات، تولید و بهره‌برداری

کارشکنی‌های قدرت‌های بزرگ در این راه مصداق بارز بی‌عدالتی به شمار می‌رود. در راستای رویکرد عدالت‌طلبانه در پرونده هسته‌ای، دولت احمدی‌نژاد تلاش نمود متناسب با رویکرد فعالانه و تهاجمی خود، علاوه بر مقاومت و پافشاری بر حقوق هسته‌ای، به جای عقب‌نشینی، پیشروی نموده و با برجسته نمودن تخلفات قدرت‌های بزرگ خصوصاً آمریکا، ضمن معرفی آن‌ها به‌عنوان ظالم، مظلومیت هسته‌ای ایران را نشان دهد و از این طریق به متوازن‌سازی فشارهای وارده بر جمهوری اسلامی بپردازد.

۲) گفتمان انقلاب اسلامی

یکی از منابع هویت‌ساز در سیاست خارجی جمهوری اسلامی، گفتمان انقلاب اسلامی و فضای متنی حاصل از آن است که در مقایسه با دیگر منابع هویتی ایرانیان، جایگاه رفیع‌تری دارد (دهقانی فیروزآبادی و نوری، ۱۳۹۰: ۱۱۵). این منبع در دوران زمامداری اصول‌گرایان بیش‌ازپیش مورد توجه دست‌اندرکاران کشور قرار گرفت. محمود احمدی‌نژاد به‌عنوان رئیس دولت نهم و دهم، شعارها و اهداف اوایل انقلاب اسلامی را سرلوحه و چراغ راه سیاست خارجی خود قرار داده بود. یکی از مواردی که در سیاست خارجی ایشان نمود بارزی داشت، حمایت از مستضعفین و ظلم‌ستیزی بود که از همان گفتمان انقلاب اسلامی ناشی می‌شد. احمدی‌نژاد همواره در سخنرانی‌هایش از حق تمامی ملت‌های ستمدیده و تحت سلطه نظام استکبار حمایت می‌کرد. یکی دیگر از مفاهیم مورد استفاده که مبتنی بر گفتمان انقلاب اسلامی بود، سیاست تهاجمی در قبال دشمنان است. در این دوران همانند اوایل انقلاب اسلامی هیچ‌گونه انعطافی در قبال دشمنان جمهوری اسلامی ایران (به‌ویژه آمریکا) دیده نمی‌شود. دولت اصول‌گرا همواره طی دوران زمامداری خویش می‌کوشید مانند یک دولت انقلابی در عرصه روابط بین‌الملل رفتار کند. برای نمونه در زمینه انرژی هسته‌ای، با وجود صدور قطعنامه‌های سازمان ملل، تحریم‌ها و حتی تهدید به جنگ، دولت محمود احمدی‌نژاد هیچ‌گاه از موضع خود در قبال برنامه هسته‌ای کوتاه نیامد.

۳) مقابله با رژیم صهیونیستی

مقابله با رژیم صهیونیستی و مسئله فلسطین یکی از مواردی است که از ابتدای انقلاب

از انرژی هسته‌ای جهت اهدافی صلح‌جویانه بدون هر نوع تبعیض و بر اساس مواد ۱ و ۲ این پیمان، خلی وارد نماید. همه اعضای این پیمان متعهد می‌گردند که تبادل هرچه وسیع‌تر تجهیزات، مواد، دانش و اطلاعات فنی را جهت مصارف صلح‌جویانه انرژی هسته‌ای تسهیل نموده و حق شرکت در این مبادلات را دارند. اعضای این پیمان در صورت توانایی باید انفرادی یا به اتفاق سایر اعضا یا سازمان‌های بین‌المللی در توسعه بیشتر استفاده از انرژی هسته‌ای برای اهداف صلح‌جویانه مخصوصاً در قلمرو اعضای که فاقد سلاح هسته‌ای هستند و با توجه به نیازهای مناطق درحال توسعه جهان، مشارکت نمایند.

اسلامی و در دولت‌های مختلف پس از انقلاب همواره در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار گرفته است. از منظر عدالت محوری اصول‌گرایان، عدالت واقعی زمانی محقق می‌شود که رژیم صهیونیستی دست از تجاوز و کشتار مردم بی‌گناه فلسطین بردارد و از خاک این کشور بیرون برود. این گفتمان در طول انقلاب اسلامی از راه‌های مختلفی به مقابله با رژیم صهیونیستی پرداخته است؛ اما مهم‌ترین و اصلی‌ترین راه مقابله با رژیم صهیونیستی در تاریخ جمهوری اسلامی ایران، حفظ و تقویت جنبش‌های اسلامی معارض با رژیم صهیونیستی بوده است. دولت احمدی‌نژاد نیز با پیروی از این راهکار توانست مناسبات خوبی را با گروه‌ها و جنبش‌های ضد اسرائیلی برقرار کند. تحکیم روابط دوستانه با حماس و حزب‌الله در همین راستا بود. محمود احمدی‌نژاد کوشید از لحاظ سیاسی حماس را تقویت نماید و محاصره سیاسی آن را که توسط دول غربی اعمال شده بود، تعدیل نماید. همچنین در «جنگ ۲۲ روزه» علیه حماس، جمهوری اسلامی ایران تمام ظرفیت‌های موجود خود را به کار گرفت تا بتواند از گروه حماس، پشتیبانی کند. به طوری که ایران توانست ونزولا را مجاب سازد تا به حمایت از حماس، سفیر اسرائیل را از خاک خود اخراج نماید (صانعی، ۱۳۸۸: ۲۶۵). جنبش معارض دیگر با رژیم صهیونیستی در منطقه خاورمیانه، حزب‌الله است که به وجود آمدنش ماحصل بازتاب‌های انقلاب اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه بود. کمک‌های سیاسی ایران در «جنگ ۳۳ روزه» به حزب‌الله از نمونه‌های روابط نزدیک با این گروه در دوران اصول‌گرایان است. دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی به صورت فعال در این باره عمل نمود و با رایزنی‌های فراوان از تمام ظرفیت‌ها استفاده نمود تا جنایات رژیم صهیونیستی علیه فلسطینیان و حزب‌الله را به گوش جهان برساند. از دیگر اقدامات دولت اصول‌گرا در حمایت از گروه‌های ضد اسرائیلی، سفر محمود احمدی‌نژاد به لبنان بود. سفر وی به لبنان و دیدار با احزاب و گروه‌های مبارز فلسطینی و ضد اسرائیلی بازتاب رسانه‌ای گسترده‌ای در سراسر جهان داشت و توانست افکار عمومی جهان را به سمت منطقه و همچنین گروه‌هایی نظیر حزب‌الله جلب نماید. از راهکارهای دیگر دولت احمدی‌نژاد برای مقابله با رژیم صهیونیستی، ایجاد شک و زیر سؤال بردن مسئله هولوکاست بود. هولوکاست برای رژیم صهیونیستی یک منبع مشروعیت‌ساز و هویت‌ساز قلمداد می‌شود و به نوعی ستون فقرات این رژیم به شمار می‌رود. برای نخستین بار دکتر احمدی‌نژاد در «نشست فوق‌العاده سازمان کنفرانس اسلامی» در مکه در مورد موضوع هولوکاست ابراز تردید کرد.^۱ با

۱. لازم به ذکر است برخلاف تبلیغات صهیونیستی، احمدی‌نژاد هولوکاست را انکار نکرده بلکه به چالش کشید. رقم قطعی ۶ میلیون قربانی و مجازات مخالفان با آن در نظام لیبرال دموکراسی غربی که انکار خداوند و توهین به مقدسات را از مصادیق آزادی بیان می‌داند، مورد اعتراض رئیس‌جمهور ایران و بسیاری از اندیشمندان جهان بوده است. وی حتی از امکان بیشتر بودن قربانیان (۱۰ میلیون) نیز صحبت کرد. نکته اساسی آن است که اگر این جنایت توسط اروپای مسیحی به

این ابتکار دولت اصول‌گرا توانست ادبیات جدیدی را در راستای حمایت از مردم فلسطین ایجاد کند. مطرح کردن واقعه هولوکاست، یک سیاست تهاجمی دیگر در سیاست خارجی اصول‌گرایان بود. بازتاب این تقابل شدید با اسرائیل در دوران اصول‌گرایان، درزمینه پرونده هسته‌ای نمود بیشتری یافت. گروه‌های ذی‌نفع و لابی‌های صهیونیستی بیش‌ازپیش به تکاپو افتادند تا در راه پیشرفت هسته‌ای ایران، اختلال ایجاد کنند. آن‌ها به سخنان مطرح شده توسط محمود احمدی‌نژاد درزمینه هولوکاست و ضدیت با اسرائیل اشاره می‌کردند و سعی داشتند به دنیا این تفکر غلط را القاء کنند که هدف جمهوری اسلامی ایران از دستیابی به فناوری هسته‌ای، نابودی اسرائیل است. در همین راستا متحدان غربی اسرائیل با رژیم صهیونیستی به همکاری پرداختند و پرونده هسته‌ای ایران را دچار پیچیدگی کردند.

۴) نفی نظام سلطه و ساختارهای ظالمانه جهانی

پس از پایان جنگ جهانی دوم، دول پیروز ترتیبات و قوانین بین‌المللی جدیدی را وضع کردند که منافع و اهداف این کشورها را تأمین می‌کرد. سازمان ملل متحد بزرگ‌ترین سازمان بین‌المللی جهان است که پس از جنگ جهانی دوم تأسیس شد؛ اما ساختار این سازمان که مدعی حفظ صلح و حمایت از حقوق کشورهای جهان است، بر اساس قوانین کشورهای بزرگ غربی نظیر آمریکا، انگلیس و فرانسه است. دیگر کشورهای جهان، سهم اندکی در وضع قوانین و مقررات این سازمان دارند. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، از همان ابتدا به شرایط و قوانین حاکم بر ساختار نظام بین‌الملل و سازمان‌های موجود که بر پایه منافع تعداد اندکی از کشورهای جهان بنا شده بود اعتراض شد. با ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد، تلاش برای اصلاح ساختارهای جهانی شدت بیشتری گرفت. وی همواره نظام موجود و ساختارهای آن را ناعادلانه و تبعیض‌آمیز معرفی می‌کرد. همچنین علت ناکارآمدی و عدم مشروعیت سازمان‌های بین‌المللی و در رأس آن سازمان ملل متحد را ساختار ناعادلانه و تبعیض‌آمیز و سلطه قدرت‌های بزرگ بعد از جنگ جهانی دوم می‌دانست و راه برون‌رفت از وضعیت فعلی را نیز اصلاح و تغییر ساختار سازمان ملل و شورای امنیت بر اساس اصول دموکراتیک و رعایت حقوق برابر برای همه اعضاء اعلام نمود.

اعتراض به تعاریف دوگانه در خصوص مفاهیمی چون حقوق بشر، دموکراسی، تروریسم و... از دیگر سیاست‌هایی بود که در راستای نفی نظام سلطه جهانی مطرح شد. اصول‌گرایان معتقد بودند که نزدیک به سه دهه است جمهوری اسلامی ایران از سوی غرب در خصوص

سرکردگی آلمان صورت گرفته، چرا نقاص آن را دنیای اسلام و فلسطینیان باید پس دهند؟

نقض حقوق بشر، حمایت از تروریسم و عدم رعایت اصول دموکراسی متهم بوده است، درحالی‌که همین مسائل به کرات توسط غرب نقض شده است. دولت احمدی‌نژاد با زیر سؤال بردن این مفاهیم که از سوی غربی‌ها تعریف شده است، معنای دیگری برای حقوق بشر، تروریسم و اصول دموکراسی مطرح کرد که بر این اساس ایران در جایگاه مدعی قرار گرفت و غرب در جایگاه متهم. گرچه بارها مقامات بلندپایه ایران، برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران را صلح‌آمیز و فاقد جنبه‌های نظامی اعلام می‌کردند اما کشورهای غربی همواره ایران را متهم به نقض قوانین بین‌المللی و تلاش برای دستیابی به مقاصد نظامی در برنامه هسته‌ای می‌کردند. این در حالی است که اسرائیل با داشتن کلاهک‌های هسته‌ای خطر اصلی صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی است. این رفتارهای دوگانه همواره موردانتقاد دولت نهم و دهم قرار می‌گرفت. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز از نظر اصول‌گرایان، نهادی بود که بر اساس ساختار نظام سلطه شکل گرفته است و کشورهای مثل آمریکا و اسرائیل و انگلیس در آن نفوذ دارند.

(۵) بازنگری در روابط با غرب

دولت اصول‌گرا با توجه به تجربیات سیاست خارجی ایران در دوران سازندگی و اصلاحات، رویکرد ویژه‌ای به روابط بین‌الملل و مناسبات با غرب اتخاذ نمود. به طوری که این دولت زمینه‌ای را فراهم کرد تا دستگاه سیاست خارجی جمهوری اسلامی رویکرد جدیدی را در روابط با غرب طراحی نماید. ارزیابی دولت اصول‌گرا از روابط ۱۶ ساله جمهوری اسلامی ایران با اروپا و آمریکا این بود که با وجود بسیاری از مطالبات و خواسته‌های آنان، تبلیغات سوء و اتهامات بی‌پایه علیه ایران ادامه یافته و رفتارهای خصومت‌آمیز و دشمنی غرب نیز نسبت به جمهوری اسلامی استمرار پیدا کرده است. بر این اساس، جمع‌بندی جمهوری اسلامی از عملکرد غرب این است که کشورهای غربی بیش از آنکه در پی تنش‌زدایی و هم‌زیستی باشند، درصدد تسلیم و تمکین ایران‌اند. این نتیجه‌گیری باعث گردید تا اصول‌گرایان سیاست تقابلی را در برابر غرب اتخاذ نمایند. اوج مواجهه جویی و مقابله جویی با غرب در پرونده هسته‌ای نمودار گشت (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱، ۵۲۱). از این‌رو دولت احمدی‌نژاد سعی نمود تا با کشورهای که در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی همسو با جمهوری اسلامی ایران بودند، رابطه برقرار کند و این کشورها را جایگزین کشورهای غربی نماید. سیاست نگاه به شرق، گرایش به آمریکای لاتین، ارتباط با کشورهای آفریقایی، شرکت فعال در جنبش عدم تعهد و سازمان‌های منطقه‌ای از جمله این سیاست‌ها بود.

۶) مدیریت جهانی

مسئله فرجام جهان از مباحثی است که مکتب‌ها و ادیان آسمانی و غیر آسمانی به صورت‌های گوناگون به آن پرداخته‌اند. اعتقاد به ظهور منجی و مصلحی جهانی، ایده‌ای فراگیر و همگانی است. پیروان مکتب‌ها و ادیان مختلف به ظهور منجی باور دارند. در تفکر اصول‌گرایی نیز باور یقینی به ظهور منجی عالم حضرت مهدی (عج)، سبب طرح ایده مدیریت جهانی شد. مبانی اصلی این ایده شامل موارد زیر می‌شد:

۱. خداپرستی: برای برقراری یک حکومت جهانی می‌بایست یک جهان‌بینی الهی را پذیرفت و مبانی ماتریالیستی را نفی کرد.
۲. عدالت‌خواهی و تعالی‌جویی انسان: تفکر مدیریت جهانی، فطرت انسان‌ها را عدالت‌خواه و تعالی‌جو می‌داند؛ بنابراین انسان‌ها همواره در پی دستیابی به عدالت بوده‌اند.
۳. مبارزه با سلطه‌گران: برای دستیابی به عدالت می‌بایست با بی‌عدالتی مبارزه کرد. در مدیریت جهانی مبارزه با زیاده‌خواهی‌ها و سلطه‌جویی‌ها یک اصل محسوب می‌شود.
۴. صلح‌خواهی: صلح مدنظر در حکومت جهانی مبتنی بر عدالت است به طوری که تمامی انسان‌ها ذاتاً صلح‌جو فرض می‌شوند و در پی حفظ و استمرار صلح در تمامی دنیا هستند.
۵. مهرورزی: به معنای دوست داشتن انسان‌ها و توجه به وضع آن‌ها بدون در نظر گرفتن رنگ پوست و نژاد و ملیت است. عشق به بشریت از دلایل آفرینش انسان‌ها از سوی خداوند است.

۶. مهدویت: اعتقاد به ظهور منجی آخرالزمان مهم‌ترین پایه شکل‌گیری ایده مدیریت جهانی بود. در این تفکر غایت و نهایی برای حرکت جوامع و تاریخ در نظر گرفته می‌شود. با ظهور حضرت مهدی (عج) چرخه ستم، استبداد، بی‌عدالتی و رنج از گردش بازمی‌ایستد (مولانا - محمدی، ۱۳۸۷: ۱۸۵-۱۷۹).

مدیریت جهانی در اندیشه اصول‌گرایان سبب شد که در مناسبات بین‌المللی، دولت برای تقویت روابط با کشورها و ملت‌ها، طرح و برنامه‌ای غایت‌محور داشته باشد.

برون داده‌های سیاست‌های هسته‌ای اصلاح‌طلبان

در دوران اصلاحات تا قبل از تابستان ۱۳۸۲ همه مباحث در «شورای عالی فناوری‌های نوین» مطرح می‌شد؛ اما پس از این تاریخ به دلیل گزارش‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در کنار آن شورا، شورای امنیت ملی نیز در این موضوع ورود پیدا می‌کند. از قطعنامه شورای حکام در شهریور ۱۳۸۲، تصمیم گرفته شد تا فردی به عنوان مسئول پرونده هسته‌ای تعیین شود.

با انتخاب حسن روحانی به‌عنوان مذاکره‌کننده ارشد ایران در دوران اصلاحات، راهبرد گفتگو و مذاکرات بر اساس سیاست تنش‌زدایی پیگیری شد. با توجه به شرایط بین‌المللی و فشار کشورهای غربی و میانی فکری اصلاح‌طلبان، تاکتیک اصلی در این دوران بیشتر بر همکاری حداکثری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و گفتگوهای سازنده با سه کشور اروپایی بود تا از ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل جلوگیری شود.

دولت اصلاحات در چارچوب راهبرد کلان سیاست خارجی خود مبتنی بر تنش‌زدایی و اعتمادسازی، نقش دولت مسئولیت‌پذیر و مسالمت‌جو را ایفا کرد و دیپلماسی گفتگو با بازیگران مؤثر در پرونده هسته‌ای را در پیش گرفت. چون یکی از الزامات این نقش، پایبندی به قواعد و هنجارهای بین‌المللی از جمله مقررات مربوط به منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای بود. از این رو، مذاکرات هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران با سه کشور اروپایی انگلیس، آلمان و فرانسه آغاز شد. هدف اصلی ایران از این گفتگوها حفظ چرخه سوخت هسته‌ای و عادی شدن پرونده هسته‌ای خود در آژانس بود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۴: ۶۱-۵۳). خاتمی نه تنها سیاست تعهد به معاهده عدم گسترش سلاح هسته‌ای^۱ و تعهد سیاسی به معاهده منع آزمایش‌های هسته‌ای را ادامه داد، بلکه در دو حوزه دیگر سلاح‌های کشتار جمعی یعنی ممنوعیت سلاح‌های شیمیایی و سلاح‌های میکروبی، تصمیمات مهمی را اتخاذ نمود. تصویب کنوانسیون ممنوعیت سلاح‌های شیمیایی^۲ توسط مجلس که توسط دولت پیش امضاء شده بود، اقدامی بود که دولت خاتمی از طریق وزارت امور خارجه به‌طور مستمر پیگیری کرد. همچنین دولت اصلاح‌طلب در زمینه پیمان منع جامع آزمایش‌های هسته‌ای^۳ مشارکت فعالی داشت. در زمینه هسته‌ای، دولت خاتمی هیچ‌گاه از سیاست اصلی پایبندی به مفاد "NPT"، دایر بر عدم گسترش فعالیت‌های نظامی هسته‌ای تخطی نکرد. بی‌شک اگر قبل از انجام بازرسی‌های گسترده آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، شک و شبهه‌ای در انجام تعهدات ایران وجود می‌داشت، بعد از بازرسی‌های آژانس مشخص شد که به‌رغم گستردگی برنامه هسته‌ای کشور، هیچ نشانه‌ای از انحراف در برنامه هسته‌ای ایران وجود نداشت (بعیدی نژاد، ۱۳۸۴: ۹۷) پس از حمله آمریکا به عراق و سرنگونی رژیم صدام، برخی تندروهای آمریکایی و رژیم صهیونیستی روی برنامه هسته‌ای ایران متمرکز شدند. جرج بوش در ژانویه ۲۰۰۲ در سخنرانی سالانه خود در کنگره^۴، سه کشور

1. NPT

2. CWC

3. CTBT

4. State Of Union

سخنرانی سالانه رییس‌جمهور آمریکا در آغاز سال نو میلادی در اجلاس مشترک مجلس نمایندگان و سنا

عراق، ایران و کره شمالی را به‌عنوان محور شرارت معرفی کرده بود. بهانه حمله به عراق نیز وجود سلاح‌های کشتار جمعی در آن کشور بود. در این مقطع ایران را نیز متهم به داشتن رابطه با القاعده و تروریسم و ساخت سلاح‌های اتمی می‌کردند (روحانی، ۱۳۹۱: ۱۲۵). در این اوضاع و شرایط، دولت اصلاح‌طلب در پی آن برآمد تا از وقوع جنگ احتمالی جلوگیری نماید. بر اساس مبانی فکری و نهادهای اصلاح‌طلبان، می‌بایست با جهان بر اساس منطق و گفتگو به راه‌حل سیاسی دست یافت. دولت خاتمی همواره تلاش می‌کرد تا از حق دستیابی جمهوری اسلامی ایران به انرژی هسته‌ای دفاع نماید؛ اما سعی می‌شد که دستیابی به این فناوری، خدشه‌ای به استقلال و تمامیت ارضی جمهوری اسلامی ایران وارد نماید. در سپتامبر ۲۰۰۳ قطعنامه‌ای بسیار شدید علیه ایران در شورای حکام آژانس تصویب شد که بحث قصورهای ایران، ضرورت تعلیق کلیه فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی، امضاء و تصویب و همچنین اجرای پروتکل الحاقی (درحالی‌که هنوز پروتکل مذکور در دنیا اجرا نمی‌شود) و پاسخ به تمامی پرسش‌های آژانس از جمله بندهای آن بود. به همین علت فضای غبارآلودی در حوزه روابط بین‌الملل و همچنین حوزه داخلی در ارتباط با پرونده هسته‌ای ایران ایجاد شد. با توجه به این شرایط سید محمد خاتمی بر آن شد تا برای حل و فصل مسئله به وجود آمده در رابطه با دستیابی ایران به انرژی هسته‌ای، راه گفتگو و تعامل و موافقت را با کشورهای مورد مناقشه انتخاب نماید تا بتواند به یک توافق جامع با طرف‌های غربی بر سر موضوع هسته‌ای برسد. سیاست‌های اجرایی (داده‌های) اصلاح‌طلبان در رابطه با برنامه هسته‌ای به صورت موارد زیر نمایان شد:

(۱) موافقت‌نامه تهران (سعدآباد)

در راستای تعامل و گفتگو با کشورهای غربی، حسن روحانی دبیر شورای عالی امنیت ملی وقت به‌عنوان مذاکره‌کننده ارشد پرونده هسته‌ای انتخاب گردید. مذاکره‌کنندگان ایرانی به ریاست وی گفتگوهای خود با وزرای سه کشور اروپایی آلمان، فرانسه و انگلیس که در تاریخ ۱۳۸۲/۷/۲۹ به تهران آمده بودند را آغاز کردند. نتیجه مذاکرات طرفین در بیانیه تهران اعلام شد. در این بیانیه جمهوری اسلامی ایران به موارد زیر متعهد گردید:

- همکاری کامل با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و پاسخ به الزامات و سؤالات باقی مانده آژانس به صورت شفاف و حل و فصل آن‌ها.

- امضای پروتکل الحاقی و آغاز فرایند تصویب آن و اجرای داوطلبانه پروتکل الحاقی تا پیش از تصویب آن به‌عنوان یک اقدام نشان‌دهنده حسن نیت.

- تعلیق محدود تمامی فعالیت‌های غنی‌سازی اورانیوم و بازآفری به صورت داوطلبانه و طبق تعریف آژانس.
- در مقابل این تعهدات، سه کشور اروپایی نیز متعهد شدند:
- حق ایران را برای استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای برابر با معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای شناسایی کنند.
- بنا بر نظر آن‌ها، پروتکل الحاقی به هیچ‌وجه قصد مخدوش کردن حاکمیت، وقار ملی و یا امنیت ملی کشورهای عضو را ندارد.
- حل وضعیت فعلی ایران، در صورت تأیید تصمیمات ایران توسط مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی.
- در صورت تأیید مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مبنی بر اجرای کامل تعهدات ایران و برطرف شدن نگرانی‌های سه کشور اروپایی، راه برای گفتگو بر مبنای همکاری‌های درازمدت باز شده و جمهوری اسلامی می‌تواند انتظار داشته باشد که آسان‌تر به فناوری‌های جدید و اقلام دیگر در حوزه‌های مختلف دست یابد (غریب آبادی، ۱۳۸۶: ۱۵۶-۱۵۳).

۲) موافقت‌نامه بروکسل

- با اینکه ایران در توافق تهران نسبت به کشورهای اروپایی حسن نیت خود را نشان داد و تعهدات خود را به صورت یک‌جانبه انجام داد اما دومین قطعنامه شورای حکام آژانس در تاریخ ۱۳۸۲/۹/۵ در مورد فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز ایران تصویب شد. با وجود این برای حل و فصل مسئله از طریق مذاکره، سه ماه پس از تصویب این قطعنامه در ۱۳۸۲/۱۲/۴ مذاکراتی در بلژیک میان هیئت ایرانی و سه کشور اروپایی صورت گرفت که به موافقت‌نامه بروکسل معروف شد. بر اساس آن، طرف ایرانی به موارد زیر متعهد شد:
- ارائه اظهارنامه‌ها طبق پروتکل الحاقی و راستی‌آزمایی آن‌ها توسط آژانس؛
- تعلیق مونتاژ سانتریفیوژها؛
- تعلیق ساخت داخلی قطعات یدکی سانتریفیوژها؛
- اعمال تعلیق فعالیت‌های غنی‌سازی نسبت به تمامی تأسیسات موجود در ایران.
- طرف اروپایی نیز متعهد شد برای شناسایی تلاش‌های ایران، در اجلاس ژوئن ۲۰۰۴ شورای حکام، به منظور عادی کردن اجرای پادمان‌ها و پروتکل الحاقی تلاش نماید. این موافقت‌نامه شکاف بین انتظارات و اهداف جمهوری اسلامی و سه کشور اروپایی را به خوبی نشان می‌دهد. به طوری که طرف اروپایی گام به گام در حال بالا بردن سطح خواسته‌های خود بود؛ زیرا در بیانیه

تهران، جهت شفاف‌سازی و اعتمادسازی، ایران پذیرفت که پروتکل الحاقی را تا قبل از تصویب آن اجرا نماید. همچنین در این موافقت‌نامه ایران پذیرفت اظهارنامه‌های تمامی فعالیت‌های هسته‌ای خود را به آژانس ارسال کند. (غریب آبادی، ۱۳۸۷: ۱۶۵)

۳) موافقت‌نامه پاریس

مذاکره‌کنندگان ایرانی که باور داشتند به‌رغم کوتاهی کشورهای اروپایی، باز هم امکان عادی‌سازی پرونده از طریق گفتگو و همکاری با آژانس وجود دارد به مذاکره با سه کشور اروپایی ادامه دادند. از این رو، در آستانه اجلاس نوامبر ۲۰۰۴ آژانس و با هدف جلوگیری از صدور قطعنامه دیگری در آن، ایران به مذاکره با کشورهای اروپایی در پاریس پرداخت. این موافقت‌نامه در ۱۳۸۳/۸/۲۵ منعقد شد که به موجب آن ایران به‌عنوان اقدامی داوطلبانه در جهت اعتمادسازی و نه به‌عنوان یک تعهد قانونی، کلیه فعالیت‌های مربوط به غنی‌سازی و بازآوری را متوقف سازد. در این توافقنامه تعهدات ایران به این صورت تصریح شده است:

- تأکید می‌کند که طبق "NPT"، به دنبال کسب سلاح‌های هسته‌ای نبوده و نخواهد بود.

- تعهد به همکاری کامل و شفاف با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی.

- ادامه اجرای داوطلبانه پروتکل الحاقی تا تصویب آن.

- ادامه تعلیق به‌منظور اعتمادسازی بیشتر و گسترش تعلیق که شامل این موارد می‌گردد: ساخت (تولید) و واردات سانتریفیوژهای گازی و قطعات آن‌ها مونتاژ، نصب، آزمایش یا اداره (سرهم‌بندی و راه‌اندازی) سانتریفیوژهای گازی، کار در مورد جداسازی پلوتونیوم، ساخت یا اداره هر تأسیسات جداسازی پلوتونیوم و تمامی آزمایش‌ها یا تولید در هر نوع تأسیسات تبدیل اورانیوم، تعلیق به‌موقع انجام خواهد شد به‌گونه‌ای که آژانس قبل از اجلاس نوامبر شورای حکام آن را تأیید نماید.

- حفظ تعلیق مادامی که مذاکرات در مورد یک موافقت‌نامه ترتیبات درازمدت که مورد قبول طرفین باشد، در جریان است و برای ادامه کل فرایند ضروری خواهد بود... این موافقت‌نامه تضمین‌های عینی فراهم خواهد کرد که برنامه هسته‌ای ایران منحصرأً برای مقاصد صلح‌جویانه است.

تعهدات سه کشور اروپایی در این موافقت‌نامه نیز به شرح ذیل است:

- به رسمیت شناختن حقوق ایران تحت "NPT".

- تعلیق از جانب ایران، یک اقدام اعتماد ساز داوطلبانه است و نه یک تعهد حقوقی.

- از سرگیری مذاکرات با اتحادیه اروپا در مورد موافقت‌نامه تجارت و همکاری پس از

راستی آزمایی تعلیق.

- حمایت از مدیر کل آژانس برای دعوت از ایران برای پیوستن به گروه کارشناسی رهیافت‌های چندجانبه چرخه سوخت.
- تشکیل کمیته راهبری برای شروع مذاکرات مشکل از گروه‌های کاری سیاسی-امنیتی، فناوری و همکاری هسته‌ای.

- حمایت فعال از شروع مذاکرات الحاق ایران به "WTO" (غریب آبادی، ۱۳۸۶: ۱۶۰-۱۵۹).

دولت خاتمی از مذاکره و گفتگو با کشورهای اروپایی بر سر مسئله هسته‌ای، اهدافی را دنبال می‌کرد. نخستین هدف پیشگیری از مطرح شدن ایران به عنوان خطری بر ضد امنیت و صلح بین‌المللی و منطقه‌ای بود. هدف دوم جلوگیری از شکل‌گیری توافق بین‌المللی بر ضد ایران بود. این در شرایطی است که آمریکا و اسرائیل تلاش بسیار داشته‌اند که نه تنها فعالیت هسته‌ای ایران را امنیتی جلوه دهند بلکه درصدد بوده‌اند جامعه و افکار عمومی بین‌المللی را نیز برای اقدام ضد ایران بسیج کنند. سومین هدف، حل و فصل مسئله هسته‌ای در چارچوب نهادهای بین‌المللی به ویژه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و جلوگیری از فرستاده شدن پرونده ایران به شورای امنیت بود. هدف چهارم حفظ فن‌آوری و دانش هسته‌ای صلح‌آمیز به ویژه حفظ چرخه سوخت هسته‌ای و به رسمیت شناخته شدن آن از سوی جامعه بین‌المللی و اتحادیه اروپا بوده است. پنجمین هدف، عادی‌سازی پرونده جمهوری اسلامی ایران و بیرون آوردن آن از وضع اضطراری بود. سرانجام، ایران با این مذاکرات تلاش داشت با اعتمادسازی و رفع بدگمانی‌های موجود، وجهه بین‌المللی خود به عنوان یک عضو مسئولیت‌پذیر و پایبند به قوانین و مقررات بین‌المللی را بازسازی کند و اعتبار جهانی بیشتری به دست آورد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۴).

بنابراین، در دوران اصلاحات با دخالت مستقیم سه پایتخت بزرگ اروپایی؛ پاریس، لندن و برلین مذاکرات هسته‌ای ایران وارد دور جدیدی شد. پس از گفتگوها و مذاکرات بسیار، سه توافقنامه مهم با عنوان قراردادهای تهران (سعدآباد)، بروکسل و پاریس منعقد گردید. بر اساس این قراردادها، اروپایی‌ها متعهد شدند که در قبال توقف کامل فعالیت‌های غنی‌سازی اورانیوم توسط ایران، این دولت را از نظر سیاسی و تکنولوژی در جهت داشتن نیروگاه اتمی یاری کرده و حقوق هسته‌ای ایران را به رسمیت بشناسند؛ اما با وجود توقف کلیه فعالیت‌های اتمی توسط ایران، با طولانی کردن تعمدی مذاکرات به نظر می‌رسید که اروپاییان نمی‌خواهند هیچ‌گاه صنعت هسته‌ای در ایران به نتیجه برسد. در واقع آمریکایی‌ها بر اساس دکترین «بازدارندگی»^۱ و اروپایی‌ها با سیاست «تعهد سازی»^۲ به دنبال یک هدف مشترک و آن ممانعت از دستیابی ایران

1. Containment
2. Engagement

به صنعت هسته‌ای بودند. طبق سیاست جدید «بازدارندگی از طریق تعهدسازی (و درگیرسازی)»^۱ که در واقع، حاصل جمع دو سیاست قبلی است، هدف، غرق کردن ایران در مذاکرات و تعهدات بی‌پایان بوده است^۲ (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۸).

برون‌داده‌های سیاست‌های هسته‌ای اصول‌گرایان

با توجه به مبانی فکری اصول‌گرایان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال برنامه هسته‌ای در این دوران، جهت‌گیری متفاوتی با دوران اصلاح‌طلبان داشت. در این دوران راهبرد اصلی در رابطه با برنامه هسته‌ای، حفظ دستاوردهای هسته‌ای کشور و تکمیل آن، تبدیل تهدیدها به فرصت و تلاش برای به رسمیت شناختن حق ایران مبنی بر داشتن فناوری هسته‌ای از سوی کشورهای غربی بوده است. برای دستیابی به این اهداف سیاست‌هایی از جمله همکاری با آژانس بین‌المللی اتمی در چارچوب‌های قانونی این نهاد و نه فراتر از آن، گفتگوهای انتقادی با ۵+۱، دیپلماسی اجماع جهانی برای شناسایی حق ایران در زمینه دستیابی به انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای مانند فعالیت در جنبش عدم تعهد، به کار گرفته شد. همچنین دولت اصول‌گرا با توجه به مبانی فکری نظیر عدالت‌طلبی، عدم تعهد انقلابی (در عرصه سیاست خارجی)، مبارزه با استکبار و سیاست خارجی تهاجمی، در اصول مربوط به دیپلماسی هسته‌ای به بازنگری پرداخت. نقطه عزیمت دولت در این بازنگری، بهره‌گیری از تجربیات تاریخی جمهوری اسلامی در طی حیات خود به‌ویژه در طول مذاکرات هسته‌ای با سه کشور اروپایی در زمان اصلاح‌طلبان بود. دولت محمود احمدی‌نژاد از کارشکنی طرف‌های غربی در انجام توافقنامه‌ها و تعهدات خود، عدم احقاق حقوق هسته‌ای و دو سال تعلیق داوطلبانه تمامی فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی، نتایج مهم شناختی گرفت که همگی آن‌ها به ساختن هویت ویژه‌ای برای کشورهای غربی خصوصاً ایالت متحده منجر شد (مولانا و منوچهری، ۱۳۸۷: ۱۹۷). این هویت برخاسته از کشورهای غربی، به یک ویژگی مشروعیت‌بخش برای بسیاری از رفتارهای آتی دولت اصول‌گرایان در مسئله هسته‌ای مبدل گشت.

دکتر محمود احمدی‌نژاد همواره از برخوردهای دوگانه غرب با برنامه هسته‌ای ایران و دیگر کشورها خصوصاً رژیم صهیونیستی انتقاد می‌کرد. رژیم صهیونیستی با در اختیار داشتن کلاهک هسته‌ای و بمب اتمی، در خاورمیانه موجب ناامنی و عدم ثبات است اما هیچ‌یک از

1. Containment

۲. برای وقت‌کشی بر سر پرونده هسته‌ای ایران، طرف‌های اروپایی از تهران خواستند برای نشان دادن حسن نیت، فعالیت‌های هسته‌ای خود را برای ۹ یا ۱۰ سال متوقف سازد! رجوع شود به: کنفرانس بین‌المللی "فناوری هسته‌ای، نماد اراده ملی"، تهران، اوت، ۲۰۰۵

کشورهای مدعی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی در ارتباط با برنامه هسته‌ای رژیم صهیونیستی واکنشی نشان نمی‌دهد. این استانداردهای دوگانه سبب می‌شود که نتوان به گفتار و رفتار کشورهای غربی اعتماد کرد. در دوران اصول‌گرایی از فرصت‌های پیش‌آمده برای گفتگو با کشورهای غربی بر سر موضوع هسته‌ای استفاده می‌شد؛ اما این گفتگوها بیشتر انتقادی بود و ایران از موضع حق‌طلبانه وارد می‌شد. احمدی‌نژاد در اولین سخنرانی خود در سازمان ملل خواستار مأموریت ویژه کمیته‌ای برای پیگیری راهکارهای عملی خلع سلاح قدرت‌های بزرگ شد. این پیشنهاد در مجمع عمومی رأی آورد که با کارشکنی کشورهای هدف کمیته، فعال نشد. همچنین تلاش شد در مذاکرات با کشورهای ۵+۱ نیز این موضوع را مطرح کنند. لذا بسته پیشنهادی ایران به کشورهای مذکور در تاریخ ۲۴/۲/۱۳۸۷، بحث از مسئله هسته‌ای جمهوری اسلامی در عرض مسئله خلع سلاح هسته‌ای قرار داده شد و تعیین کمیته‌ای ویژه برای پیگیری آن طلب شده است. در کنار این محور، از سوی دیگر سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد با تعریف متفاوت از اعتمادسازی، تلاش نمود با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی همکاری کامل و ابهام‌زدایی داشته باشد (زارعی، ۱۳۸۷: ۶۸). سیاست‌های اجرایی (داده‌های) اصول‌گرایان در رابطه با برنامه هسته‌ای به شکل موارد زیر نمود پیدا کرد:

(۱) بسته اوت ۲۰۰۵

سه کشور اروپایی در ۱۴/۵/۱۳۸۴ و بر اساس موافقت‌نامه پاریس، طرح خود را تحت عنوان چارچوب یک موافقت‌نامه درازمدت بین ایران، فرانسه، آلمان و انگلیس با حمایت نماینده عالی اتحادیه اروپا به ایران ارائه کردند. طرح مدنظر، همکاری‌هایی در زمینه‌های عدم تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی، مبارزه با قاچاق مواد مخدر و تروریسم، امنیت منطقه‌ای و همچنین همکاری‌های اقتصادی و تکنولوژیکی را پیش‌بینی نموده بود که در صورت رسیدن به تفاهم، اجرایی خواهند شد. همچنین در چارچوب یک موافقت‌نامه کلی، کشورهای اروپایی متعهد می‌شدند در سایر زمینه‌های صلح‌آمیز استفاده از انرژی هسته‌ای، به‌استثنای فعالیت‌های مربوط به چرخه سوخت، مانعی برای شرکت ایران در مناقصه و مزایده بازارهای آزاد هسته‌ای ایجاد نکنند. در مقابل این امتیازات که هیچ‌یک جنبه عملیاتی فوری و صریح نداشتند، در بندهای ۳۸-۳۲ به وظایف ایران برای اعتمادسازی مداوم در طول مدت طولانی اشاره شد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۲۲۵).

با روی کار آمدن محمود احمدی‌نژاد، جو اروپا کاملاً تغییر کرد. آن‌ها در خرداد ۱۳۸۴ دو ماه فرصت خواسته بودند تا طرح را با آمریکا هماهنگ کنند. البته، این طرح بر اساس استمرار

تعلیق غنی‌سازی و عدم برخورداری ایران از چرخه سوخت (سوخت مخصوص برای راه‌اندازی نیروگاه اتمی)، بازم حقوق هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران را ایفا نمی‌کرد. به همین دلیل دولت احمدی‌نژاد در ۱۳۸۴/۵/۱۵ فعالیت تأسیسات UCF اصفهان را از سر گرفت. البته چند روز پیش از آن، در ۱۳۸۴/۵/۱۰ همایش بزرگ «فناوری هسته‌ای، نماد اراده ملی» بر اساس هم‌اندیشی و تبادل نظر اندیشمندان، متخصصان و صاحب‌نظران، چنین تقاضایی را از دولت جدید مطرح می‌سازد (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۴).

پس از شروع فعالیت‌های مربوط به تبدیل اورانیوم در UCF اصفهان، طرف‌های اروپایی، جلسه اضطراری شورای حکام را تشکیل دادند و در تاریخ ۱۳۸۴/۵/۲۰، هفتمین قطعنامه را علیه ایران صادر کردند و خواستار تعلیق مجدد غنی‌سازی اورانیوم از سوی ایران شدند. پس از تحرکات غربی‌ها در خصوص برنامه هسته‌ای ایران و صدور بیانیه‌ها و قطعنامه‌های متعدد و تهدیدات مکرر علیه ایران، مجلس شورای اسلامی در ۱۳۸۴/۹/۹ با تصویب طرحی دولت را موظف کرد تا در صورت هرگونه ارجاع یا گزارش در مورد پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت، کلیه همکاری‌های داوطلبانه خود با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از جمله اجرای پروتکل الحاقی را به حالت تعلیق در آورد. تاریخ ۱۳۸۴/۱۰/۲۰ ایران در حضور کارشناسان آژانس با برداشتن مهر و موم‌ها، از تأسیسات نطنز رفع تعلیق نمودند. سرانجام شورای حکام آژانس در نهمین قطعنامه خود در ۱۳۸۴/۱۱/۱۵ گزارش پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت را تصویب کرد. با این اتفاق چین و روسیه به‌طور مستقیم و آمریکا نیز به‌طور غیرمستقیم وارد فرایند مذاکرات هسته‌ای با ایران شدند (دهقانی فیروزآبادی و نوری، ۱۳۹۰: ۲۲۶-۲۲۴).

۲) بسته ۶ ژوئن ۲۰۰۶

با سفر سولانا و نمایندگان پنج کشور چین، روسیه، فرانسه، آلمان و انگلیس در تاریخ ۱۶/۳/۱۳۸۵ بسته‌ای موسوم به ۶ ژوئن ۲۰۰۶ به ایران ارائه شد. در این بسته تعهدات شش کشور به شرح زیر بود:

- تأکید دوباره بر حق ایران در توسعه انرژی هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز؛
- حمایت فعالانه از ساخت راکتورهای آب سبک در ایران از طریق پروژه‌های مشترک

بین‌المللی؛

- مذاکره و اجرای یک موافقت‌نامه هسته‌ای یوراتم/ایران؛
- تعلیق بحث از برنامه هسته‌ای ایران در شورای امنیت و از سرگیری مذاکرات؛
- فراهم کردن یک بسته محتوایی همکاری در زمینه تحقیق و توسعه، شامل فراهم نمودن

احتمالی راکتورهای تحقیقاتی آب سبک؛

- دادن تضمین‌های الزام‌آور حقوقی چندلایه سوخت به ایران بر اساس مشارکت به‌عنوان یک شریک در یک تأسیسات بین‌المللی در روسیه و ایجاد یک ذخیره احتیاطی بر طبق شرایط تجاری.

تعهدات ایران نیز به شرح ذیل بود:

- رفع تمامی نگرانی‌های باقی‌مانده آژانس بین‌المللی اتمی از طریق همکاری کامل با آژانس؛

- تعلیق مجدد تمامی فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی و بازآفری به‌گونه‌ای که مورد راستی‌آزمایی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار گیرد و ادامه آن در طول مذاکرات؛
- از سرگیری اجرای (داوطلبانه) پروتکل الحاقی (علیخانی، ۱۳۸۸: ۳۹۸-۳۹۳).

اما در طی مذاکرات بر سر این بسته پیشنهادی، به دلیل تأکید غرب بر تعلیق کامل فعالیت‌های هسته‌ای، ایران با آن مخالفت نمود؛ زیرا دولت اصول‌گرا طبق رهیافت‌ها و هنجارهای فکری خویش، عقب‌نشینی را نمی‌پذیرفت و بر اصل عدالت‌خواهی و مقابله با زور تأکید می‌کرد. لذا پنج کشور عضو دائم شورای امنیت با جلب حمایت سایر اعضا، «قطعنامه ۱۶۹۶» را در ۹/۵/۱۳۸۵ علیه ایران صادر نمود. این قطعنامه از ایران می‌خواهد که تمام فعالیت‌های مربوط به غنی‌سازی و بازآوری از جمله تحقیق و توسعه را تعلیق نماید، به‌گونه‌ای که توسط آژانس مورد راستی‌آزمایی قرار گیرد (قاسمی، ۱۳۸۷: ۳۲۱). پس از یکسری گفتگوهای فشرده و مقاومت دولت احمدی‌نژاد در برابر فشارهای غرب، «قطعنامه ۱۷۳۷» شورای امنیت سازمان ملل متحد در تاریخ ۲/۱۰/۱۳۸۵ علیه ایران تصویب شد. در این قطعنامه از ایران خواسته شده بود که تمامی فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی را تعلیق نماید. همچنین یکسری مجازات و تحریم‌ها نیز علیه ایران وضع شد. در ادامه این روند، «قطعنامه ۱۷۴۷» در تاریخ ۴/۱/۱۳۸۶ در ذیل ماده ۴۱ فصل هفتم منشور سازمان ملل علیه ایران صادر شد. در این قطعنامه تحریم‌ها و فشارهای سختی علیه ایران پیش‌بینی شده بود؛ اما دولت وقت در واکنش به آن در تاریخ ۲۰/۱/۱۳۸۶ ورود به مرحله تولید صنعتی سوخت هسته‌ای و قرار گرفتن در زمره کشورهای تولیدکننده سوخت هسته‌ای را با حضور رییس‌جمهور، مقامات عالی‌رتبه کشوری، دانشمندان هسته‌ای کشور و همچنین سفرای کشورهای دوست، در مجتمع غنی‌سازی نطنز جشن گرفت و این روز را به‌عنوان روز ملی «فناوری هسته‌ای» نام نهاد. با توجه به رویکرد انقلابی دولت اصول‌گرا در عرصه سیاست خارجی، همواره سیاست‌های روبه‌جلو و حق‌به‌جانب در زمینه پرونده هسته‌ای پیگیری می‌شد. یکی از اقدامات دولت احمدی‌نژاد، همراه کردن

کشورهای مختلف دنیا به‌ویژه کشورهای آمریکای لاتین و آسیای شرقی و آفریقا بود که سبب می‌شد ایران بتواند یک اجماعی از کشورهای جهان را برای حمایت از برنامه هسته‌ای خود به وجود آورد. استفاده از ظرفیت‌های جنبش عدم تعهد نیز یکی دیگر از سیاست‌های دولت اصول‌گرا در راستای پیشبرد سیاست هسته‌ای بود. استفاده از ظرفیت‌های بالقوه جنبش عدم تعهد سبب می‌شد که ایران در عرصه رویارویی با کشورهای غربی و متحدانش از حمایت کشورهای جنبش عدم تعهد برخوردار باشد.^۱ حمایت کشورهای جنبش عدم تعهد به دلیل آنکه اکثر اعضای سازمان ملل متحد هستند، از اهمیت فراوانی برخوردار بود.

نتیجه

در خصوص سیاست هسته‌ای، جمهوری اسلامی ایران از همان آغاز، قاطعانه تنها بر روی حق خود مبنی بر دستیابی به دانش صلح‌آمیز هسته‌ای تأکید کرده است. در این زمینه، ایران همواره کوشیده است راه گفتگو و مذاکره را پیش گرفته و از دیپلماسی فعالی در این زمینه بهره برد. توسعه علمی و فنی کشور از طریق کسب دانش هسته‌ای، تصویری نیست که بتوان آن را فقط برای یک دولت قاب گرفت و یا در انحصار گروهی خاص قرار داد و برایش طرفدارانی ویژه تراشید. دولت‌های پس از انقلاب، هرکدام بر اساس مقتضیات و امکانات دوره مسئولیت‌شان، توان و اندیشه خود را مصروف آن نموده‌اند. لذا کسب فناوری‌های پیشرفته در حوزه‌های مختلف از جمله فناوری هسته‌ای، همواره در فهرست نیازهای کشور قرار داشته است. نگاه کلی مسئولان نظام جمهوری اسلامی به موضوع هسته‌ای آن است که این فناوری را به‌عنوان یک نماد ملی قلمداد می‌کنند. به این معنا که انرژی هسته‌ای به‌عنوان یک حق در نظر گرفته می‌شود که هیچ کشوری نمی‌تواند ملت ایران را از این حق خود محروم کند. همچنین در اینکه انرژی هسته‌ای برای توسعه و پیشرفت یک جامعه و رفاه مردم لازم است و چشم‌پوشی از آن یعنی دور شدن از مسیر پیشرفت و عزت، با یکدیگر اتفاق نظر دارند. شاید بتوان دیدگاه مسئولین نظام جمهوری اسلامی در رابطه با انرژی هسته‌ای را در این جمله از مقام معظم رهبری به‌خوبی درک کرد: «این دستاورد - فناوری هسته‌ای - متعلق به همه ملت است و هیچ قدرتی قادر نخواهد بود این فناوری و حق بزرگ را از ملت ایران سلب کند».^۲ با توجه به تفاوت فکری و جناحی در کابینه‌های مختلف جمهوری اسلامی ایران، ورودی‌هایی که وارد سیستم سیاست

۱. در این دوران، تلاش ایران برای دستیابی به انرژی اتمی همواره از طرف ۱۱۸ دولت عضو جنبش عدم تعهد حمایت و تحسین شده است. چراکه هدف، تشویق و ترغیب همه دولت‌ها برای دستیابی به یک انرژی پایدار بر اساس "کنوانسیون NPT" بود.

۲. سخنرانی رهبر معظم انقلاب آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به مناسبت روز ولادت حضرت علی (ع)، ۲۶/۴/۱۳۸۷، ۱۳۸۷۱۳۸۷/۴/۲۶.

خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌شوند، متفاوت هستند. به دلیل ماهیت مردم‌سالاری دینی جمهوری اسلامی ایران؛ نهادها، سازمان‌ها و نیز افراد و نقش‌هایی که در آن قرار دارند، در روند تبدیل نهاده‌ها و پردازش آن‌ها برای تبدیل به داده‌ها و سیاست‌های اجرایی دخیل هستند؛ اما خود سیستم نیز از یکسری الگوها و اصول پایدار برخوردار است. در سیستم سیاست خارجی جمهوری اسلامی نهاده‌ها در جعبه تصمیم‌گیری پردازش می‌شود. این جعبه شامل عوامل فردی، نهادی و بین‌المللی است. پس از پردازش در دستگاه تصمیم‌گیری، سیاست‌های اتخاذ شده برای اجرا به صورت برون‌داد ظاهر می‌شوند. به دلیل ماهیت مردم‌سالاری دینی، سیستم سیاسی جمهوری اسلامی ایران یک سیستم باز است که نهاده‌های تبدیل شده به برون‌داد، به صورت بازخورد دوباره به صورت نهاده وارد دستگاه سیاست خارجی می‌شود؛ بنابراین پس از عملی شدن سیاست‌های هسته‌ای، بازخوانی در سیستم ایجاد می‌شود که سبب می‌شود نقص‌ها و قوت‌های سیاست‌های اجرایی به سیستم منتقل شود. سیاست‌های اجرایی اصلاح‌طلبان در زمینه برنامه هسته‌ای با بازخوردی که داشت تبدیل به درون‌دادهای متفاوتی در دوران اصول‌گرایی شد. این امر به دلیل آن اتفاق افتاد که در اثر سیاست‌های هسته‌ای اصلاح‌طلبان و نتایج حاصل از آن، محیط پیرامونی سیستم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تقاضاهای جدیدی را در رابطه با مسئله برنامه هسته‌ای طلب کرد. همچنین این تقاضاها از نهاده‌های جدید اصول‌گرایان حمایت کردند که باعث اجرای سیاست‌هایی چون گفتگوهای انتقادی بر سر مسئله هسته‌ای، مقاومت در برابر تحریم‌ها و ... شد؛ اما با توجه به ساختار تصمیم‌گیری در سیستم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و اصول و اهداف انقلاب اسلامی هر یک از دو جناح اصلاح‌طلب و اصول‌گرا با اینکه در قبال برنامه هسته‌ای دارای تفاوت روشی بودند اما هدف آن‌ها یعنی دستیابی به فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای، مشترک بود.

منابع

فارسی

کتاب

- البرادعی، محمد، (۱۳۹۲)، *عصر فریب: دیپلماسی در دوران خیانت*، ترجمه فیروزه درشتی، چاپ اول، تهران: انتشارات ایران.
- تراهی، محمد، (۱۳۸۴)، *جایگاه هولوکاست در پروژه صهیونیسم*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- چیلکوت، رونالد، (۱۳۷۸)، *نظریه‌های سیاست مقایسه‌ای*، ترجمه وحید بزرگی و علیرضا طیب، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال و نوری، وحید، (۱۳۹۰)، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران اصول‌گرایی*، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، (۱۳۹۱)، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، چاپ چهارم، تهران: سمت.
- دوئرتی، جیمز و فالتز گراف، رابرت، (۱۳۷۲)، *نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل*، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران: نشر قومس.
- روحانی، حسن، (۱۳۹۱)، *امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای*، چاپ چهارم، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- زارعی، معجبی، (۱۳۸۷)، *نهضت ملی هسته‌ای در ایران*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- زورق، محمدحسن، (۱۳۸۶)، *ارتباطات و آگاهی (مفاهیم، مبانی و روش‌ها)*، تهران: انتشارات دانشکده صداوسیما.
- علیخانی، مهدی، (۱۳۸۸)، *سیر تحولات ۵۰ ساله فناوری هسته‌ای در ایران ۱۳۳۶-۱۳۸۶*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- فرانکل، جوزف، (۱۳۷۲)، *نظریه معاصر روابط بین‌الملل*، ترجمه وحید بزرگی، تهران: نشر اطلاعاتی.
- غریب آبادی، کاظم، (۱۳۸۷)، *برنامه هسته‌ای ایران واقعیت‌های اساسی*، تهران: معاونت حقوقی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- غریب آبادی، کاظم، (۱۳۸۶)، *موضوع هسته‌ای ایران به روایت اسناد*، تهران: موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- قاسمی، مهران، (۱۳۸۷)، *نیم‌قرن پرونده هسته‌ای ایران*، چاپ اول، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

- مولانا، سید حمید و محمدی، منوچهر، (۱۳۸۷)، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت احمدی‌نژاد*، تهران: نشر دادگستر.

مقاله

- ازغندی، علیرضا، (۱۳۷۸)، «تنش‌زدایی در سیاست خارجی: مورد جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۷-۱۳۷۸)»، فصلنامه سیاست خارجی، سال سیزدهم، زمستان، شماره ۱.
- اسدی، بیژن، (۱۳۷۹)، «ایران و خلیج فارس: سیاست تنش‌زدایی، گفتگوی تمدن‌ها، مناسبات جدید و صلح و امنیت منطقه»، فصلنامه سیاست خارجی، سال چهارم، زمستان، شماره ۴.
- بعیدی نژاد، حمید، (۱۳۸۴)، «سیاست هسته‌ای آقای خاتمی»، فصلنامه سیاست خارجی، سال نوزدهم، بهار، شماره ۱.
- توکلی، فائزه، (۱۳۸۲)، «نقش تسامح و تساهل و پلورالیسم در تعادل تمدن‌ها»، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها از منظر جوانان، تهران.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۸)، «گفتمان عدالت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، معرفت سیاسی، سال اول، شماره ۱.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، (۱۳۸۴)، «گفتگوهای هسته‌ای ایران و اروپا (از آغاز تا نشست بروکسل)»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال نوزدهم، فروردین و اردیبهشت، شماره ۸ و ۷.
- صانعی، علیرضا، (۱۳۸۸)، «سیاست خارجی دولت نهم در قبال آمریکا در مبانی حکمی و سیاست عملی دولت نهم در روابط بین‌الملل»، مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری، تهران.
- طباطبایی، سید محمد، (۱۳۹۰)، «دیپلماسی هسته‌ای ایران»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال بیست و ششم، زمستان، شماره ۲۸۶.
- غریب‌آبادی، کاظم، (۱۳۸۶)، «بی‌اعتباری غرب: ضرورت پایان بخشیدن به برخوردهای سیاسی در موضوع هسته‌ای ایران»، همشهری دیپلماتیک، سال دوم، شماره ۲۰.
- متقی، ابراهیم، (پاییز ۱۳۸۷)، «دامنه تغییر و تداوم سیاست خارجی ایران»، فصلنامه برداشت دوم، سال پنجم، شماره ۷.
- مرکز پژوهش‌های مجلس، (۱۳۸۴)، «مشروح سخنانی‌های همایش "فناوری هسته‌ای، نماد اراده ملی"»، معاونت پژوهشی، دفتر مطالعات سیاسی، مهرماه.

- Brailard, Philippe, (1997), "Theorie des systemes et relations internationales", Paris.

-Holsti, J, (1987), "Confidence Building Measures: A Conceptual Framework", "Survival, 25, Jan-Fev